

یادتونه...؟ اسفند ماه امسال فروش ارز مسافرتی برابر شد.

# عرض اختصاصی

کنیم و خودی نشان بدهیم، شوهر عمه مان گفت: برویم ترکیه. بلیتش ارزان تر است و عرضش هم خرج سفر را در می آورد. همان لحظه مادر بزرگمان زیر گریه زد و از داشتن چنین خانواده ای نزد خدا شکایت کرد. اما وقتی عمویمان به او قول داد که هر روز برایش کباب ترکی بخرد آرام شد و لبخند رضایت بر روی لبانش نشست و با صلوات محمدی پسند ختم مذاکرات اعلام شد و سفر نوروزی ترکیه به دلیل عرض کافی برای نفرات به تصویب رسید.

ما نتیجه می گیریم که عرض ترکیه وسیع تر است و به احتمال خیلی قوی گربه نره پول های پینوکیو را در زمین های آنجا مخفی کرده است که هر کس می تواند با کندن عرض اختصاصی خودش و یافتن پول ها خرج سفرش را در بیاورد.

این بود انشای زیبا و علمی من. به امید سفرهای نوروزی جذاب و خرج سفر در بیاور برای همه مخصوصا آقا معلم و خانواده اش.

موضوع انشا: عید نوروز

قلم را در رگ خود که حکم مرکب را دارد فرو کرده و انشای زیبای خود را شروع می نمایم.

عید نوروز روزهای خیلی خوبی دارد. ما عید نوروز تعطیل هستیم و نه تنها به مدرسه نمی رویم بلکه عیدی هم می گیریم و حسابی خوش می گذرانیم. یکی از خوش گذرانی های ما در عید نوروز مسافرت رفتن است. هفته ی گذشته که به خانه ی مادر بزرگمان رفته بودیم بحث بین عمو و بابایمان بالا گرفته بود که امسال دسته جمعی در عید نوروز کجا مسافرت نماییم. مادر بزرگمان اصرار داشت که کربلا برویم، اما عمویمان قبول نمی کرد و می گفت: عرض مسافران کم است و بلیت هواپیما هم خیلی خیلی گران است. ما که در ذهن مان مشغول ضرب و تقسیم عرض یا همان زمین کربلا بودیم که ببینیم هر انسان مگر چقدر عرض احتیاج دارد که برایش جا باشد و عدد را در جمع اعلام



زهرا کظامی زاده  
کتابدار

یادتونه...؟ مرداد ماه امسال اعلام شد تمام منابع ارزی توقیف شده ایران در کره جنوبی، آزاد شد.

ماجرای آزاد شدن پول های بلوکه شده ایران در کره از زبان درباریان کره

## رستم VS جومونگ

روزی روزگاری در دربار گوگوریو نشسته بودیم و به امپراتور می گفتیم که لطفا ما را بکشید، که ناگهان خری گفت... چیز! ببخشید. اشتباه شد! منظورم این بود که نشسته بودیم که ناگهان پیک از ایران زمین وارد دربار امپراتور جومونگ شد. من خودم را جلو انداختم و گفتم: لطفا من را بکشید سرورم. پیک از ایرانیان آمده و می گوید: پول ما را بدهید برویم... هر چه هم گفتیم: بیا گوگوریو را به تو نشان بدهیم، می گوید: نه من همه کوچه پس کوچه های اینجاریو بلدم! پول ما رو بدید بریم!

ما درباریان که این روزها منبع تمام نشدنی نمک گوگوریو به حساب می آمدیم؛ همین طور که داشتیم می گفتیم: لطفا ما را بکشید سرورم، فریاد زدیم: لطفا ما را بکشید سرورم! در همین حال امپراتور جومونگ گفت: خب پس آن شمشیر من را بیاورید ببینم این ها چه می گویند!

درباریان از جا برخاستند و در حال عقب عقب رفتن، گفتند: نمک خوردیم سرورم! یک وقت جدی جدی ما را نکشید ها... امپراتور گفتند: احمق ها، می خواهم حساب این شرخر ایرانی را برسم. با شما کاری ندارم که! این ها دیدند پولشان را نمی دهیم کشتی های ما را در خلیج فارس گرفته اند. برای ما و امپراتور باها افت دارد. ما درباریان نفس راحتی کشیدیم. رئیس موبالمو بهترین تیرها و شمشیرها را فراهم کرده و از آن شمشیرها که وقتی به سنگ می زنی، نمی شکنند به امپراتور داد.

امپراتور جومونگ با بهترین افرادش رفتند تا فرستاده ی ایرانیان را سر جایش بنشانند. پس تا چند ساعت با کمان دامول تعداد زیادی تیر به سمت پیک ایران پرتاب کردند. پیک ایران همان طور که با یکی از تیرها دندان هایش را خلال می کرد گفت: تموم شد؟ خیلی تأثیرگذار بود. حالا این پول ما رو بدید ما بریم. گرفتار شدیم به خدا!

امپراتور دستور دادند جلسه ای برگزار شود. ما خوشحال وارد جلسه شدیم اما امپراتور گفتند: هرکی توی این جلسه بگه منو بکشید، واقعا می کشمش! اینطور شد که ما ناراحت وارد جلسه شدیم. پس از بررسی های فراوان بنا شد پول های بلوکه شده ی ایرانیان را به ایشان پس بدهیم. چون این فرستاده با این زور و بازو حتما رستم یا اسفندیاری، چیزی است و اشراف اطلاعاتی او به کوچه های گوگوریو نیز به واسطه ی راهنمایی های سیمرغ حاصل شده!

پول را که دادیم پرسیدیم: ای پهلوان! آیا تو رستمی و با سیمرغ به این جا آمده ای؟ آن جوان خندید و گفت: رستم؟ نه بابا! من یه ممدشونم. کوچه ها رو هم بس که فیلمش رو دیدم حفظ شدم! رستم اونی بود که کشتی هاتون رو توی خلیج فارس به دستی گرفت!



امیرحسین کظامی مقام  
طیلم

عزیزان

بلیط هواپیما گران نشود، مسافران اتوبوس، سوار هواپیما می شوند  
سید رضا موسوی - رئیس انجمن شرکت های هواپیمایی

اگر حزب ما رای نیاورد، حزب های دیگر رای می آورند، پس قطعاً قلب شده است.  
محمد فاطمی - رئیس حزب اصلاح طلبان

سرمربی تیم ملی خارجی نشود، عده ای در تیم ملی بازی یادشان می رود.  
مهدی تاج - رئیس فدراسیون فوتبال

در فیلم هایمان سیاه نمایی نشود، ...  
امیر قهرادی - کارگردان

اگر کلاس یوگای همسرم برگزار نشود، همسرم به سراغ دیگر رشته های ورزشی می رود.  
رضا پهلوی - پسر شاه مخلوع

منوتو تعطیل هم نمی شد، مجری های ما، جاهای دیگر هم وطن فروشی می کردند  
منوتو - شبکه ماهواره ای تعطیل شده

مسئولین درست کار نکنند، عده ای جاهل، امضای کوری را تضمین می کنند  
مهدی رحمانیان - مدیر مسئول روزنامه شرق

دربارگران شدن بلیط هواپیماها چنین اظهاری داشت:



سید مهدی موسوی  
کتابدار